

## پایان یک انقلاب یا پرده برداری از حکومت تهران

ثریا شهابی صفحه ۲

... درست میگویند! ایران امروز، کمترین شباهتی به جامعه آرمانی خمینی و خلخالی و موسوی و خامنه ای و رفسنجانی و روحانی، نسل اول شخصیت ها و رهبران جنبش اسلامی ندارد. نه در اقتصاد، نه در سیاست، نه در شیوه زندگی مردم آن و نه در شکل اعمال حاکمیت، کمترین شباهتی به جمهوری اسلامی خرداد شصت و حکم جهاد علیه کردستان و براه انداختن دست های قمه کش مستقیما وصل به باند های حکومتی، و صدور باندهای ترور مخالفین، ندارد. نه اینکه ظرفیت آن را نداشته باشد، یا ارده گرایانه تصمیم گرفته باشند که شیوه های قدیم را بکنار بگذارند. بلکه به این دلیل که همه آن روش های سنتی یا "انقلابی"، برای فراهم کردن شرایط و رسیدن به نقطه ای بود که امروز رسیده اند. ...



آزادی برابری حکومت کارگری

### تعرض بهترین دفاع است!

در حاشیه انتخابات کنگره آمریکا

فواد عبداللهی

نتایج انتخابات میاندوره ای در آمریکا قابل پیشبینی بود. نه فقط به این دلیل که گویا دولت اوباما در صحنه های داخلی و خارجی شکست خورد؛ نه تنها بدین خاطر که گویا کلید حل مشکلات آمریکا و جهان از این پس می رود دوباره در دستان جمهوری خواهان قرار گیرد؛ کارکرد این نوع تصورات سطحی و تبلیغات وارونه ساز، خاکپاشی به چشم مردم و پرده پوشی روندهای طبقاتی به مراتب مهمتری است که پشت این اتفاقات و این مناسک جریان دارد و مستقیما بر شرایط زندگی و مبارزه کارگران و محرومان جامعه تاثیر می گذارد. ویژگی اصلی انتخابات کنگره آمریکا، رسمیت دادن به یک بی افقی و بی آلترناتیوی بورژوازی در میان نئوکنسرواتیوها و دموکراتها را آشکار ساخت. در صحنه داخلی، در اولین قدم معلوم شد که دولت اوباما که بر شانه های خلف خود، بوش و چنی و تمام بساط کثیف نئوکانی-ریگانی سر کار آمده در واقع تا به امروز نه تنها گرهی از معضلات جامعه آمریکا باز نکرده بلکه بر ادامه بحران اقتصادی و نا امنی در جامعه آمریکا افزوده است. در صحنه خارجی، امروز کمتر کسی است که نداند دنیا در سایه هزیمت خط مشی بورژوازی جهانی و در راس آن آمریکا در هاله ای از ابهام، اغتشاش و استیصال بسر می برد. ... صفحه ۲

## پایان یک انقلاب یا پرده برداری از حکومت تهران

### ثریا شهابی

محصول "پیروزی گلوبالیزاسیون بر ایده های آرمانخواهانه و از جمله انقلاب"، دانسته است. گزارش آگوست، هرچند که به نتیجه گیری های یک جانبه و تماما مغشوش میرسد، اما حقایق مهمی را بازگو میکند.

ایران، انقلاب ۵۷، جمهوری اسلامی و سه دهه پشت سر آن، بی تردید یکی از جذاب ترین موضوعات تحقیق گزارشگران و جستجوگران در جهان است. موضوعی که برای کسانی که در ایران در متن آن زندگی میکنند و برای همه آنهایی که در تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رهایی از آن، چه در داخل و چه در خارج، دهه ها دست و پنجه نرم میکردند، گاه پازلی حل نشده بنظر میرسد! پازلی که بخش مهمی از دشمنان جمهوری اسلامی در طیف چپ و راست را در بن بست های سیاسی چون عروج روحانی، یا تماما به سازش با حکومت کشاند و یا به خزیدن در دنیا های سکتی، ←

خارجه بریتانیا، میگوید که سیمای تهران امروز بیشتر به مادرید و آتن شبیه است تا مومبای یا قاهره!

گزارشگر اکونومیست پس از نشان دادن غلبه برتری توپیتر بر احکام سانسور اینترنت و فیلترینگ، و رواج میلیونی استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام در میان نسل جوان و گسترش طرفداران آن از جمله در میان نوه های کسانی چون خمینی و علمای عظام قم، همچنین با رجوع به اظهارات مقامات مهم حکومتی، پایان انقلاب ۵۷ و پایان محبوبیت هر نوع انقلاب و انقلابیگری را بخصوص در ایران، اعلام کرده است. آگوست این را

"انقلاب به پایان رسید. پس از چند دهه التهاب ارشاد، ایران بیش از پیش به کشوری بالغ و مدرن تبدیل شده است."

این عنوان مطلب گزارشگر مجله اکونومیست، الیور آگوست، در مورد ایران، یک نوامبر ۲۰۱۴، است. \*

آگوست در گزارش خود با رجوع به آمار و ارقام واقعی، با نشان دادن نرخ بالای تحصیل کردگان در میان طبقات فردوست و تغییر شاخص هایی چون ترکیب سنی جمعیت و توقعات بالا و شبیه زندگی مدرن مردم، و همچنین به نقل از جک استرو، وزیر پیشین

### کنگره آمریکا ...

روبه رو شده است. تمام تجربه تاریخی حکم میکند که "تعرض بهترین دفاع است!" باید صفوف طبقه کارگر را برای این تعرض سروسامان داد. در سطح سیاسی، طبقه کارگر باید در هر جای جهان به هر درجه که نیروی آگاه و سازمانیافته آن اجازه دهد دست به قدرت ببرد، دولت بورژوازی را پائین بکشد و تعرض انقلابی خود را بیوقفه تا تعرض به بنیادهای سرمایه داری، خلع ید اقتصادی از بورژوازی و برقراری سوسیالیسم ادامه دهد. بعلاوه در این دوره طبقه کارگر و نیروی عظیم بشریت آزادیخواه با دستیابی به درک روشن از معنی جهانی شکست قلداری نظامی آمریکا، باید سازمان دادن یک جنبش جهانی قدرتمند علیه هر نوع دخالتگری امپریالیستی را در دستور خود بگذارد و با نیروی متحد خود پرچم برون رفت انسانیت از زیر تیغ جنگ و دور باطل سناریو سیاه و بربریت حاصل از کشمکش قدرتهای امپریالیستی و جریانات ریز و درشت ارتجاع سیاسی معاصر را برافرازد.

بنظر می رسد. محتوا و کارکرد چنین انتخابات میان دوره ای در آمریکا این است که کل طبقه حاکم علاوه بر ابزارهای موجود قدرت دولتی و مغزشوئی میدیایی و مذهبی به کمک ابزار توهم که با سوار شدن بر امواج نفرت و نارضایتی مردم از سیاستهای احزاب دموکرات و جمهوری خواه به دست آورده اند، هر دوره کارگران و محرومانی را که به دنباله روی خود کشانده اند، سر جای خود بنشانند. اما موقعیت عینی بورژوازی آمریکا و احزاب و نمایندگان آن در راس دولت، ابهام و اغتشاش در مقابله با بحران، کابوس ورشکستگی های زنجیره ای، بیکاری انبوه حاصل از بحران مالی و بحران صنایع اتومبیل سازی که ستون فقرات اقتصاد آمریکا هستند، و بالاخره ناتوانی شان در پاسخ دادن به توقعات کارگران و مردم، اثرات توهم به این احزاب را به میزان زیادی در سطح جامعه خنثی کرده است. این فاکتورها تشدید مبارزه طبقاتی در آمریکا و جهان را اجتناب ناپذیر میکند. در سطح اجتماعی و طبقاتی، طبقه کارگر با تعرض همه جانبه بورژوازی

فرو رفتن بیشتر اقتصاد آمریکا در کام بحران بزرگ، بی افقی و افت هژمونی جهانی آن، "برنده و بازنده" انتخابات اخیر را همراه خود بلعید. حفظ وحدت بورژوازی آمریکا در رقابت ناسیونال - امپریالیستی با سایر قدرتهای بزرگ امپریالیست، در هاله ای از ابهام است. این آن موقعیت شکننده و ناپایداری است که مانند هر جای دیگر دنیا، هر دو جناح احزاب بورژوازی آمریکا را بهم نزدیک و آچمز کرده است. دیگر حتی اتحاد ناگزیر جمهوری خواهان و دموکراتها کاری از پیش نمیبرد؛ آمریکا و رویای آمریکایی از چشم همه افتاده؛ دیگر سری به سوییخ نخواهد چرخید! معلوم شد که ماهیت طبقاتی این احزاب و دولت حاکمشان همچون کمیته اجرائی بانکداران و سرمایه داران، دشمن آشکار و آشتی ناپذیر طبقه کارگر و بشریت است. ضرورت "تغییر"، یا در واقع تدوین و اتخاذ استراتژی "نوینی" برای پاسخگوئی به بحران جاری و انطباق با افت موقعیت آمریکا، امروز بیشتر یک شوخی

مرکز جمهوری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم

نیاز رژیم تازه پا گرفته بعد از انقلاب به یک جنگ سراسری که بتواند توسط آن، به زور ایدئولوژی مذهبی و ناسیونالیستی و سرکوب، جامعه انقلاب کرده ایران را تحت تسلط خود درآورد، تنها فازی از سیری بود که به امروز رسیده است. شرکت فعال در تداوم جنگ کور هشت ساله با عراق، نسل کشی در خشن ترین شکل در جهان معاصر، همه و همه برای فراهم کردن شرایط "امن" و "ثباتی" بود که امروز گزارشگر اکونومیست و مقامات حکومتی ایران از آن اسم می برند.

معلوم شد که نه ایران مرگ آمریکا را میخواهد و نه آمریکا سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را؛ اقتصاد ایران به غرب زنده است و امروز غرب به بورژوازی ایران، این متحد استراتژیک برای حفاظت از منافع غرب در خاورمیانه از کنترل خارج شده، بیش از پیش نیاز دارد!

معلوم بود که غرب با دستی جمهوری اسلامی ایران را میزند، با دست دیگر زیر بغل آن را محکم نگاه میدارد. اسلام و اسلامیت، از خشن ترین شکل حاکمیت آن در زمان خمینی و خلخالی و لاجوردی، تا "نرم" ترین شکل امروز آن، تنها و تنها یک وسیله بود و یک وسیله است. مناسب ترین وسیله ای که می شد با آن به جنگ انقلابی رفت که در ادامه خود میرفت که حاکمیت بورژوازی را تماما به زیر بکشد و انقلاب سوسیالیستی ایران را متولد کند. همان سیاستی که در افغانستان ابزاری بنام مجاهدین افغان و فرزندش القاعده را در مقابل شوروی ساخت، در ایران در مقابل خطر یک انقلاب چپ و کمونیستی، جمهوری اسلامی ایران را به میدان فرستاد.

آنچه که گزارشگر اکونومیست آن را بر باد رفته و پایان یافته میداند، شکاف و فاصله با غرب است، که نه به خاطر خصلت جمهوری اسلامی ایران، که به خاطر فاکتورهای متعدد داخلی و خارجی دهه ها سر آن باز مانده بود. چیزی که همراه آقای آگوست، طیفی از مسئولین حکومتی ایران هم بنام پایان انقلاب و انقلابیگری، آن را پایان یافته میدانند. ←

پیکره پرده پوشی شده ای که زیر خرواری پروپاگاندا جنگی، سیاسی و ایدئولوژیک متقابل پنهان شده بود، پرده برداری کرد.

عروج پدیده ای بنام دولت اعتدال روحانی، مراسم و تشریفات این پرده برداری است. ظهور امام زاده روحانی، نوک کوه یخ واقعیتی است که گزارشگر اکونومیست، علیرغم نتیجه گیری دلخواهی، آن را بازگو میکند. برخلاف نظر آگوست این نه محصول "پیروزی گلوبالیزاسیون بر ایده های آرمانخواهانه و از جمله انقلاب"، که حاصل "آشتی دو متحد تاریخی" در جهان گلوبالیزه شده ای است که

**چیزی که شکست خورده است، آن روبنا، آن زائنده ها و اسلامیت جمهوری اسلامی است. یکی از آرمانهای بورژوازی، یکی از آرمانهای ضدانقلاب بورژوا امپریالیستی در انقلاب ۵۷، ارزش مصرف خود را از دست داد و "شکست خورد". مساجد خالی و اسلام تشریفاتی امروز، حکم مرگ اسلامیت جمهوری اسلامی است.**

**آن جامعه "آرمانی اسلامی" که برای به شکست کشاندن و سرکوب انقلاب ۵۷ به میدان آمده بود، موفق شد آن انقلاب را به شکست بکشد و سرکوب کند. لازم بود که پس از پایان ماموریت، به آغوش خانواده خود در جهان سرمایه داری غرب، باز گردد. ابزار کهنه دیروز، امروز کار ساز نیست.**

از مجاهدین افغان تا القاعده و طالبان و داعش و اسلام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، جنبش های متحد آن است.

معلوم شد دشمنی غرب و ایران، بنیادین نیست! تاکتیکی است، تاکتیکی برای پاسخ به مقتضیات روز ایران انقلاب کرده؛ تاکتیکی که می بایست به سرعت کنار گذاشته میشد. این سرعت اما به دلایل داخلی و خارجی، خطر سرنگونی از یک طرف و نیاز غرب به تراشیدن یک محور شر پس از پایان جنگ سرد و یازده سپتامبر از طرف دیگر، بیش از سه دهه به درازا کشید.

با مشغله هایی نامربوط به جامعه و تحولات سیاسی، محکوم و محبوس کرد. بخشی تحت عنوان واقع گرا، به زیر عبای روحانی خزید و بخشی به جا مانده در تحولات بعد از دوخرداد و جنبش سبز، در دنیای توهم کودکانه هر روز مشغول جنگ با یک آسیاب بادی، در حاشیه، امروز را به فردا میرساند.

اما این شرایط، از همه مهمتر، یک اپوزیسیون نظام را که در تحولات سیاسی نقش تعیین کننده دارد، یعنی طبقه کارگر، را هم به عقب نشینی کشاند! عقب نشینی از جدال بر سر تصرف قدرت سیاسی، و سنگر گرفتن در جدالهایی بر سر بهبود شرایط کار و زندگی؛ سنگری که میتواند سکوی محکمی برای تعرض بعدی و کارساز تر، برای قدرت سیاسی باشد.

درست میگویند! ایران امروز، کمترین شباهتی به جامعه آرمانی خمینی و خلخالی و موسوی و خامنه ای و رفسنجانی و روحانی، نسل اول شخصیت ها و رهبران جنبش اسلامی ندارد. نه در اقتصاد، نه در سیاست، نه در شیوه زندگی مردم آن و نه در شکل اعمال حاکمیت، کمترین شباهتی به جمهوری اسلامی خرداد شصت و حکم جهاد علیه کردستان و براه انداختن دست های قمه کش مستقیما وصل به باند های حکومتی، و صدور باندهای ترور مخالفین، ندارد. نه اینکه ظرفیت آن را نداشته باشد، یا ارده گریانه تصمیم گرفته باشند که شیوه های قدیم را بکنار بگذارند. بلکه به این دلیل که همه آن روش های سنتی یا "انقلابی"، برای فراهم کردن شرایط و رسیدن به نقطه ای بود که امروز رسیده اند.

علاوه بر روش زندگی غیر اسلامی مردم که عمدتا همزاد جمهوری اسلامی ایران است، فراهم شدن شرایط برقراری مناسبات غرب با جمهوری اسلامی، و به میدان آمدن شخص ولی فقیه بعنوان طرف حساب اوباما در مذاکرات با غرب، و بالاخره کنار رفتن پرچم مرگ بر آمریکا و آغاز مذاکرات با غرب، از

**کارگران جهان متحد شوید!**

اقتصادی و سیاسی وار سوخت و ساز شود. اگر برای جمهوری اسلامی ایران و بورژوازی غرب، از آمریکا تا اروپا، سیمای امروز تهران، سوت پایان کار دستور انقلاب ۵۷ ایران را به صدا در آورده است. برای کارگر صنعتی تحصیل کرده و شهری و مدرن ایران اما این تازه آغاز کار است. برای طبقه کارگر معترض، کارگر انقلاب کرده ای که هنوز مزه اعمال قدرت در شوراهای کارگری اش را در انقلاب ۵۷ در دهان دارد، زدن از این زوائد، کاری ساده نیست.

آن انقلاب شکست خورد و آن آرمانخواهی بورژوازی، گنبدیده و متعفن اسلامی، بخصوص پس از میدان داری القاعده و داعش، و پس از ایفای نقش تاریخی خود، به پایان رسیده است. اما برای کارگر صنعتی، به شهادت همان آمار در ابعاد میلیونی تحصیل کرده و مدرن و امروزی و غیر مذهبی، این تازه آغاز کار است.

انقلاب بعدی در ایران، بی تردید انقلاب دیگری، با بازیگران دیگری خواهد بود. از میدان بدر رفتن آرمانهای مصرف شده و متعفن بورژوازی، میدان را برای آرمانخواهی عمیقاً انسانی طبقه کارگر باز میکند. آنچه که امروز در سنگر های دفاعی میتوان بدست آورد و پیشروی هایی که در سنگر های دفاعی میتوان کرد، بی تردید سکوی محکمی برای انقلاب آتی، کارگری و کمونیستی ایران خواهد ساخت. سرعت رویدادهای جهان و خاورمیانه میتواند آن روز را بسیار نزدیک تر کند از آنچه که تصور میشود.

\* لینک گزارش اکونومیست

<http://www.economist.com/news/special-report/21628597-after-decades-messianic-fervour-iran-becoming-more-mature-and-modern-country>

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی  
fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

سرکوب مردم قیام کرده و مسلح شده، با شوراهای مردمی و کارگری که اعمال قدرت میکردند، سه دهه و با براه انداختن حمام های خون، طول کشید.

چیزی که شکست خورده است، آن روبنا، آن زائده ها و اسلامیت جمهوری اسلامی است. یکی از آرمانهای بورژوازی، یکی از آرمانهای ضدانقلاب بورژوا امپریالیستی در انقلاب ۵۷، ارزش مصرف خود را از دست داد و "شکست خورد". مساجد خالی و اسلام تشریفاتی امروز، حکم مرگ اسلامیت جمهوری اسلامی است.

آن جامعه "آرمانی اسلامی" که برای به شکست کشاندن و سرکوب انقلاب ۵۷ به میدان آمده بود، موفق شد آن انقلاب را به شکست بکشد و سرکوب کند. لازم بود که پس از پایان ماموریت، به آغوش خانواده خود در جهان سرمایه داری غرب، باز گردد. ابزار کهنه دیروز، امروز کار ساز نیست.

وجود ولی فقیه و امر به معروف و حجاب و سانسور اینترنت و قصاص و ... زائده هایی است که مانع نواختن سوت پایان کامل این پروسه است. بعلاوه ابزار کهنه دیروز که برای مهار کردن طبقه کارگر و محرومین ساخته شده بود، امروز دست و پا گیر است. زوائد قانونی پوپولیستی مستصف پنهان، در قانون کار و قانون اساسی، که برای مهار مردم و طبقه کارگر انقلاب کرده و شورا درست کرده وجود داشت، همه و همه باید بدور انداخته شود تا جمهوری اسلامی بتواند بطور کامل در مناسبات مشترک با بورژوازی غرب، از نظر

حقیقتی که کمونیست ها همان روز های قدرت رسیدن جمهوری اسلامی جوان، از آن پرده برداری کردند. و آن این واقعیت است که روبنای ایدئولوژی اسلامی و همه جنایاتی که به خاطر آن در سرکوب انقلابیون ۵۷ روی داد، فتح کربلا و خون شهدا و تاسوعا و عاشورا و امر به معروف و نهی از منکر و فرمان حجاب و ... تنها و تنها وسیله ای برای انجام همان کاری است که شاه قادر به انجام آن نشد و آن سرکوب انقلاب بود. جمهوری اسلامی ایران برای پایان دادن به انقلاب ۵۷ و فراهم کردن شرایط بازگشت ایران به سوخت و ساز بازار جهانی سرمایه در غرب، بعنوان مناسب ترین آلترناتیو رژیم پهلوی، از طرف غرب پذیرفته شد.

برای تحمیل رهبری خمینی به مردم ایران، پول خرج کردند! میدیا و نوافکن و تبلیغات سازمان دادند. توافق کردند که قدرت دست بدست شود و بخشا از بالای سر مردم دست بدست شد. توافقی که با قیام مردم و مسلح شدن مردم، از مسیر خود خارج شد. مقابله با مردم قیام کرده و مسلح شده، که از پادگانها تا زندانها و تا محل های کار را به تصرف در آورده بودند، برای چند دهه کار برد. این بخش از انقلاب ۵۷ که در تاریخ نگاری آقای آگوست و مقامات جمهوری اسلامی غائب است، موجب شد که آشتی جمهوری اسلامی ایران با ولی نعمت خود، بورژوازی غرب، سه دهه به تعویق بیافتد. کنترل و سرکوب انقلاب را شاید می شد به سرعت به سرانجام رساند، اما

استثمار و تبعیض و بی حقوقی در ابعادی اینچنین عظیم، و در اشکالی اینچنین عیان، بدون تسلیم و رضایت توده وسیع خود استثمار شوندگان و بدون موجه قلمداد شدن این مناسبات در اذهان خود قربانیانش سر پا باقی نمی ماند. توجیه کردن این وضعیت، ابدی و ازلی و طبیعی قلمداد کردن آن و ترساندن و برحذر داشتن فرودستان جامعه از شورش علیه این مناسبات، وظیفه روبنای فکری و فرهنگی و اخلاقی در این جامعه است. زرادخانه فرهنگی و اخلاقی بورژوازی علیه آزادی و رهایی انسان عظیم و خیره کننده است. بخشی از این ابزارها از اعصار کهن به ارث رسیده اند، اما مطابق نیاز جامعه بورژوازی نوسازی و بازسازی شده اند.

ادیان و مذاهب رنگارنگ، عواطف و تعصبات اخلاقی جاهلانه، قوم پرستی، نژادپرستی، مردسالاری، همه و همه حربه های فکری و فرهنگی طبقات حاکمه در طول تاریخ خفه کردن و سرریزیر نگامداشتن توده کارکن جامعه بوده اند. همه اینها در اشکال نوین و ظرفیتهای تازه، در عصر ما در خدمت مصون داشتن مالکیت و حاکمیت بورژوازی از تهدید آگاهی و تعقل و نقد طبقه کارگر و مردم تحت استثمار قرار دارند. ...

فرهنگ، ایدئولوژی و اخلاق

(یک دنیای بهتر برنامه حزب حکمتیست - خط رسمی)